

تحلیل اندیشه روشنفکران ذات گرایانه مخالف مدرنیته پهلوی دوم (مطالعه موردی سید احمد فردید و سید حسین نصر)

فائزه امیری پویا^۱، خسرو افضلیان^۲، ایرج اعتصام^۳، محسن طبسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۷

چکیده:

تاریخ معاصر ایران به ویژه پهلوی دوم، مملو از تحولات سیاسی، اجتماعی حاصل از جریانات فکری و فعالیت روشنفکران است. روشن فکری محصول دنیای مدرن می باشد. از این رو می توان معیار گونه شناسی روشنفکران را بر اساس مدرنیته مطرح نمود. مهم ترین خدمت روشنفکر به جامعه از طریق فرآورده های فکری او می باشد. از این رو شناخت اندیشه روشنفکر از جمله ضروریات است. روشن فکران ذات گرا مخالف مدرنیته که از منظر فلسفی به نفی کلیت مدرنیته پرداخته و آینده دیگری را کنکاش می کنند و هر گونه تلاشی برای وصله کردن مدرنیته با مذاهب یا فرهنگ شرقی را بیهوده معرفی می کنند، را گونه ای از بحث پیش رو قرار داد. بررسی و تحلیل گفتمان روشنفکران ذات گرا مخالف مدرنیته، موضوع پژوهش حاضر است. و در این راستا مفاهیم ذات گرایانه مخالف مدرنیته پهلوی دوم با بررسی اندیشه های فردید و نصر مورد بررسی قرار می گیرد. در پژوهش پیش رو، با توجه به تعامل گونه ذات گرا مخالف مدرنیته با اندیشه روشنفکران مذکور، روش تحقیق استدلال منطقی است. شاخص های گونه مذکور در اندیشه احمد فردید و نصر عبارتند از غرب، تکنولوژی و تعامل مدرنیته با غرب.

واژگان کلیدی: روشنفکران، مدرنیته، فردید، نصر، پهلوی دوم

این مقاله برگرفته از رساله دکتری "فائزه امیری پویا" با عنوان "تائیرات هرمنوتیک فلسفی بر معماری معاصر شهر تهران ۱۳۹۴-۱۳۴۰" است که به راهنمایی دکتر "خسرو افضلیان و دکتر ایرج اعتصام استاد راهنما" و مشاوره دکتر "محسن طبسی استاد مشاور" در دانشگاه "آزاد اسلامی" واحد "مشهد" در حال انجام است.

^۱ - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^۲ - استاد یار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ - استاد تمام، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

^۴ - دانشیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

مقدمه:

تاریخ معاصر ایران به ویژه پهلوی دوم، مملو از تحولات سیاسی، اجتماعی حاصل از جریان‌های فکری و فعالیت روشنفکران است. جریان روشنفکری در ایران به طور رسمی با مشروطه خواهی در برابر استبداد داخلی و ملی گرایی در برابر سلطه ی خارجی آغاز شد (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰). از آن جا که مهم ترین خدمت روشنفکر به جامعه از طریق فرآورده های فکری او می باشد. از این رو شناخت اندیشه روشنفکر از جمله ضروریات است. بررسی و تحلیل گفتمان روشنفکران ذات گرا مخالف مدرنیته، موضوع پژوهش حاضر است. و در این راستا مفاهیم ذات گرایانه مخالف مدرنیته پهلوی دوم با بررسی اندیشه های فردید و نصر مورد بررسی قرار می گیرد. این پژوهش بر آن است تعامل مفاهیم ذات گرا مخالف مدرنیته را در اندیشه سید حسین نصر و سید احمد فردید مورد بررسی قرار دهد. در باب ادبیات تحقیق و پیشینه ی پژوهش، آنچه نزدیک به این زمینه انتشار یافته، کتاب های گونه شناسی روشنفکران ایرانی توسط نظام بهرامی کمیل (۱۳۹۳)، روشنفکران ایرانی و غرب نوشته مهرزاد بروجردی (۱۳۸۴) و مقاله های منتشر شده در نشریه ها عبارتند از اهمیت بررسی آثار فردید جوان، توسط بیژن عبدالکریمی (۱۳۹۸)، مبانی نقد مدرنیته در اندیشه سید حسین نصر، نگارش عبدالله محمدی (۱۳۸۹) را می توان نام برد. اما به رغم پژوهشهایی ارزنده در این زمینه، تاکنون پژوهش مستقلی در ارتباط با موضوع پیش رو یعنی تعامل اندیشه روشنفکران مذکور با گونه ذات گرای مخالف مدرنیته انجام نشده است.

روش شناسی تحقیق:

روش تحقیق پژوهش حاضر استدلال منطقی می باشد. اساسی ترین ویژگی استدلال منطقی، شمارش اصول اولیه است. با توجه به مبانی نظری پیش رو، شاخص های گونه ذات گرای مخالف مدرنیته، به عنوان سامانه اولیه استخراج شد و در مرحله بعد اندیشه روشنفکران بر اساس سامانه اولیه تحلیل می شود. از آن جا که استدلال منطقی کلام محور است؛ پژوهش حاضر از نظر ماهیت داده ها کیفی است. از این رو به صورت توصیفی است که به فرآیند معنی و درک حاصل از واژگان متمایل می باشد؛ برای شفاف سازی روابط بین عناصر و مفاهیم، تکنیک تحلیل گفتمان از خلال سخنرانی ها و مصاحبه ها؛ مورد استفاده قرار می گیرد و در نهایت کدگذاری و تحلیل انجام می گردد.

روشنفکر

فرهنگ لغت وبستر در تعریف واژه intellectual می گوید ((روشنفکر کسی است که به کارهای فکری و ذهنی اشتغال دارد)) تعریف های بسیاری برای روشنفکر ارائه شده است. اما یکی از مهم ترین آن ها مربوط به امانوئل کانت می باشد. او روشن فکری را محصول دوران مدرن معرفی می کند، همچنین روشنفکر را شخصی می داند که با خرد خودبنیاد و با الگو قرار دادن شک و انتقاد به محیط پیرامون خود می نگرد. از نظر کانت مهم ترین ویژگی دوره روشن گری جسارت دانستن است و مهم ترین خدمت روشنفکر به جامعه از طریق فرآورده های فکری او می باشد. از این رو شناخت اندیشه روشنفکر از جمله ضروریات است.

شاخص های ذات گرایان مخالف مدرنیته

از آن جا که گونه شناسی های متنوعی بر اساس معیارهای مختلفی برای روشن فکران انجام شده است و از طرفی، روشن فکری محصول دنیای مدرن می باشد. از این رو می توان معیار گونه شناسی روشنفکران را بر اساس مدرنیته مطرح نمود. مدرنیته در واقع فرآیند تحول فکری، فلسفی، علمی، صنعتی، سیاسی و اجتماعی است که بعد از رنسانس در غرب روی داد (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰).

بر این اساس گونه شناسی پیشنهادی دکتر نظام بهرامی کمیل در کتاب گونه شناسی روشن فکران با معیار قرار دادن مدرنیته، دو رویکرد ذات‌گرایی و غیر ذات‌گرایی می‌باشد. ۱- رویکرد ذات‌گرا: اندیشمندان با رویکرد ذات‌گرایانه به مدرنیته معتقدند مدرنیته را باید با شکل و کلیتی منسجم و یگانه در نظر گرفت. ۲- مدرنیته غیر ذات‌گرا: اندیشمندان با رویکرد غیرذات‌گرایانه به مدرنیته معتقدند هر مفهوم و پدیده‌ای در شرایط خاص مکانی و زمانی معنا پیدا می‌کند. با توجه به گونه شناسی مطرح شده در کتاب مذکور می‌توان روشن فکران ذات‌گرا مخالف مدرنیته که از منظر فلسفی به نفی کلیت مدرنیته پرداخته و آینده دیگری را کنکاش می‌کنند و هر گونه تلاشی برای وصله کردن مدرنیته با مذاهب یا فرهنگ شرقی را بیهوده معرفی می‌کنند، را گونه‌ای از بحث پیش رو قرار داد.

غرب

غرب دغدغه دیرینه روشنفکران ایرانی است. بر این اساس، نگرش‌های متفاوتی در این خصوص وجود دارد. گروهی غرب را کل یکپارچه در برابر شرق قلمداد می‌کنند که در پی نفی آن می‌باشند و گروهی اگرچه غرب را یک کل تلقی می‌کنند اما در پی تعامل با آن می‌باشند.

تکنولوژی

مواجهات عینی و ملموس ایرانیان، با جهان غرب در دوره معاصر از راه مواجهه با تکنولوژی می‌باشد (مربی، محدث، ۱۳۹۷). از این رو یکی از جدی‌ترین تهدیدهای رودرروی بشر تخریب محیط در اثر تکنولوژی مدرن می‌باشد. تکنولوژی‌های مدرن هم چنین جایگزین شیوه‌های سنتی تولید کالاهایی شده‌اند که کاربرد روزانه دارند. این جایگزینی برای سلامت معنوی بشریت عواقب مهمی دارد (نصر، ۱۳۸۵).

ارتباط مدرنیته با شرق

مواجهه با غرب یا مدرنیته نزد روشنفکران ایرانی، مواجهه هویتی یا فرهنگی می‌باشد. روشنفکران ایرانی در مواجهه با تفکر مدرن موضعی تدافعی دارند زیرا آن را تهدیدی برای هویت شرقی می‌دانند. از این رو روشنفکران حفظ میراث و بازگشت به ریشه‌ها را توصیه می‌کنند (رضادوست و همکاران، ۱۳۸۶).

بررسی شاخص‌های ذات‌گرایان مخالف مدرنیته در روشنفکران

۱- سید احمد فردید:

سید احمد مهبینی که بعدها نام خانوادگی فردید را برای خود انتخاب کرد، در سال ۱۲۸۹ شمسی در یزد متولد شد. او تحصیلات مقدماتی، را در زادگاه خود سپری کرد و در جوانی راهی تهران شد. او در عرض یک سال لیسانس خود را در رشته فلسفه از دانشگاه تهران گرفت و سپس عازم فرانسه و آلمان شد. سپس به ایران بازگشت و به تدریس فلسفه پرداخت (هاشمی، ۱۳۸۴، ۲۸-۳۰). برای شناخت آراء و اندیشه‌های سید احمد فردید با مشکل فقدان یا کمبود منابع مکتوب اصلی از دوران بلوغ فکری و نظری او روبرو هستیم. از فردید آثار مکتوب اندکی به جا مانده است. به همین علت عده‌ای به او لقب فیلسوف شفاهی راداده‌اند. همه معتقدند ایرانیان برای نخستین بار در ابتدای سال‌های دهه بیست هجری شمسی، توسط سید احمد فردید، با افکار و نام‌مارتین هایدگر آشنا شدند. با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، تاریخی، تنش‌ها، بحران‌ها و انحطاط تفکر فلسفی در آن دوره، فردید توانست به تفکر عمیق فلسفی و توجه به متفکر اصلی همچون هایدگر جلب شود.

۱-۱- غرب:

احمد فردید از منتقدین سرسخت غرب در ایران بود و اولین کسی است که مفهوم «غریزگی» را مطرح کرد. او غرب را محل تاریخ منیت، نیست‌انگاری و موضوعات نفسانی می‌داند. او معتقد است که مکاتب غربی از لحاظ نیست‌انگاری خودبنیادانه و منطقی و اصالت

اراده و انفعالات نفس به اصالت وجود انسانی می رسند و اصالت را به نفس اماره می دهند. فردید غرب زدگی را نیز پذیرش فهری تمدن و فرهنگ غرب و پیروی بی چون و چرا، بدون خودآگاهی که غربیان به آن دست یافتند بیان می کند (فردید، ۱۳۸۱). ناخرسندی از عقلانیت مدرن و حفظ میراث دینی و معنوی در جهان معاصر سبب شد تا فردید اولین نفری باشد که بعد از آشنایی با غرب بعد از چهارصد سال نگاه در نگاه غرب بیندازد و بگوید من انسان ایرانی هستم و حاضر نیستم ابژه باشم و در مقابل غرب سرخم کنم. او غرب را گرفتار سوژگی می داند و لذا نمی تواند باحقیقت روبه رو بشود. بنابراین هستی شرق از هستی غرب را متفاوت می داند. (عبدالکریمی، ۱۳۸۹). فردید رویکرد ذات گرایانه به دوران مدرن دارد و مدرنیته را دارای کلیتی ناب و جهان شمول می داند که امکان گزینشگری در آن وجود ندارد. از آن جهت کلیتی ناب که در آن نگاه انسان به جهان تغییر ماهیتا تغییر کرده و انسان خود را در مرکز جهان می داند. فردید در نفی مدرنیته همسو با هایدگر، اما پس از نفی در پی راهی در عرفان اسلامی است که در این مسیر راه او متمایز از هایدگر می باشد (بهرامی کمیل، ۱۳۹۳).

فردید نیست انگاری و غفلت از وجود را سبب مرگ تفکر حضوری و معنوی و سیطره تفکر مفهومی و حصولی بیان می کند. او مفهوم غرب را مقارن با مفهوم متافیزیک و غرب زدگی را با معنای غلبه تفکر متافیزیک بر هر گونه تفکر شهودی، قلبی، معنوی و حضوری، در نتیجه فقدان حضور آدمی بر وجود می داند (عبدالکریمی، ۱۳۹۴). فردید متافیزیک را عین و همان غرب زدگی می داند. او معتقد است، حقیقت پیش از ظهور متافیزیک آشکار شده و در جهان پس از متافیزیک که هنوز نرسیده سر برخواهد کشید. یعنی پربروز (و پس فردا) با هم گره خورده اند. فردید همه جهان را غرب زده می داند و تنها به امید پس فردای تاریخ باید انتظار کشید نگاه فلسفی فردید که معنی غرب و غرب زدگی را شامل می شود، نگاه نقادانه نیچه ای و تفسیر هایدگری از جهان مدرن بر آن مسلط است. بزرگ ترین و جامع ترین فهم هستی در جهان غرب، نیچه و سپس هایدگر تاریخ غرب را تاریخ متافیزیک دیدند و همانند هگل آغاز آن را از یونان دانستند (رجبی، ۱۳۹۸، ۹۱-۹۵).

۲-۱- تکنولوژی:

فردید تحت تأثیر هایدگر به کانون های تفکر تکنولوژیک توجه ویژه داشت. البته وی به تبع هایدگر، به نقد تفکر تکنولوژیک می پردازد، اما نمی توان بر این اساس هایدگر را غرب ستیز دانست و گفت که با تکنولوژی مخالف است پرسش از تکنولوژی نزد هایدگر به هیچ وجه به معنای نفی تکنولوژی نیست، بلکه تلاش برای دریافت ماهیت آن، نقد محدودیت های آن و نوعی آسیب شناسی ساخت وجودی انسان در عصر تکنولوژی می باشد ولی می شود گفت که فردید بر روی اهمیت دستیابی به تکنولوژی در جامعه ای مثل جامعه ما چندان به شکل ایجابی دست نمی گذارد. بیان فردید از تکنولوژی نزدیک به نحوه نگرش سنت گرایانی همانند رنه گتون است. این نکته نیز حائز اهمیت می باشد، جوامعی که به توسعه، تکنولوژی و قدرت تکنولوژیک دست پیدا کرده اند حق نگرانی از آسیب ها و خطرهای آن را دارند. بنابراین جوامع توسعه نیافته ای مانند ایران حق ندارند صرفاً بر آسیب ها و آفت های تکنولوژی تاکید کنند (مصاحبه روزنامه همدلی با عبدالکریمی، ۱۳۹۸). فردید معتقد است تکنولوژی را نمی توان به یک باره رد کرد هم چنین انسان، امروزه رشد صنعت و تکنولوژی را اصل دانسته. این در شرایطی است که صنعت باعث ویرانی آنان شده و این صنعت نمودی از قهر الاهی است (فردید، ۱۳۸۱). فردید هم به اصل

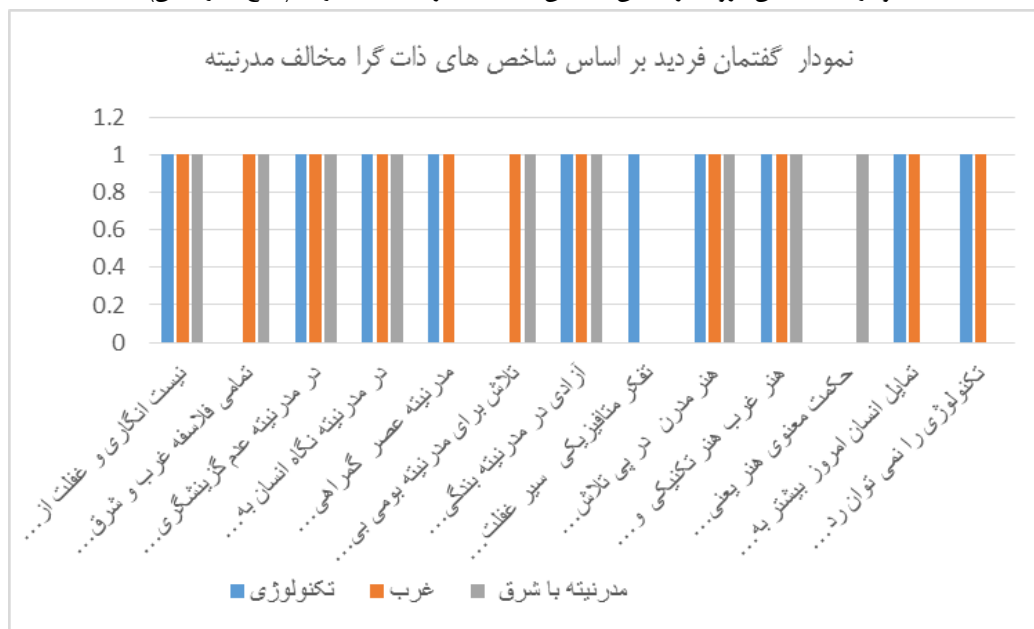
^۱ چهار مرحله تاریخ بشر از دیدگاه فردید یا به تعبیر خود او چهار موقف عبارتند از: ۱- امت واحده آغاز تاریخ (پربروز) ۲- دوره غفلت از حق و نیست انگاری وجود (دیروز) ۳- دوره سلطه موضوعیت نفسانی یا غرب زدگی مضاعف (امروز) ۴- سیر به سوی امت واحده پایان تاریخ (فردا و پس فردا) (معارف، ۱۳۸۰، ۴۱۹-۴۵۲).

و هم به نتیجه تکنولوژی انتقاد دارد. او اصل ترقی تکنولوژیکی را به عنوان هدف قبول ندارد و با آن مخالف است و این اصل را باعث ویرانی می داند(حسینی فر، افروغ، ۱۳۸۹).

۳-۱- ارتباط مدرنیته با شرق:

فردید تنها متفکر ایرانی بود که غرب و شرق را به منزله دو گونه فهم جهان، دو گونه وجودشناسی و دو گونه نسبت آدمی با جهان مطرح کرد. فردید پریروز و شرق را یکی می دانست و بر این باور بود که ما روز به روز از شرق دورتر شیده ایم. از آغاز اوج گیری تمدن یونانی، شرق هر چه بیشتر در حجاب شده و با آغاز دوره تجدد به کلی مستور شده است. یکی از دستاوردهای تجدد حاکمیت عقل و علم است. اگر چه تکیه کلام فردید بر انسان شناسی انسان دل آگاه استوار است اما مفهوم آگاهی نزد او به معنای دانش و علم نمی باشد بلکه منظور ذکر است و ذکر نسبت به باقی و حقیقت موجودات با واجب الوجود و سرچشمه جاری حیات معنوی برای انسان پریروزی است(دارابی و سعدی پور ۱۳۹۶). فردید عقل دوران مدرن را نازل می داند زیرا در آن خدا وجود ندارد و باعث انحراف انسان می شود از این رو قابل اتکا نمی باشد. فردید معتقد است عقل دوران مدرن با عقل شریف و اصیل پریروز و پس فردایی در تقابل با تفکر مدرنیته وجود انسانی اصیل است و حقیقتش را فراموش کرده است(فردید، ۱۳۸۱).

نمودار ۱- کفتمان فروید بر اساس شاخص های ذات گرا مخالف مدرنیته(منبع:نگارندگان)



نمودار ۱ حاصل تحلیل گفتمان فردید و کدگذاری بر اساس سه شاخص تکنولوژی، غرب و ارتباط مدرنیته با شرق می باشد. هر سه شاخص در اکثر گفتمان های او قابل دریافت می باشد. او نیست انگاری و غفلت از وجود را سبب مرگ تفکر حضوری و معنوی و سیطره تفکر مفهومی و حصولی می داند که از جمله آثار غرب زدگی، تکنولوژی و عدم ارتباط غرب با شرق می باشد. اگر چه در گفتمان ضد تکنولوژیک فردید و در نیافتن وجه مثبت فلسفه تکنولوژی هایدگر وجود دارد، اما او معتقد است تکنولوژی را نمی توان رد کرد اگرچه سبب ویرانی انسان می باشد (فردید، ۱۳۸۱). تفکر تکنیکی همه چیز را به ابزار زندگی تبدیل می کند و انسان در پی تسخیر و تسلط بر طبیعت بر می آید. از این رو هنر غرب را هنر تکنیکی بیان می کند. هنر غرب در علوم طبیعی و ریاضی، همچنین تکنولوژی متلاشی شده است (مددپور، ۱۳۸۰). بنابراین امکان گزینش در مدرنیته وجود ندارد و نمی توان آن را بومی کرد زیرا در مدرنیته انسان مرکز توجه می باشد و آزادی، بندگی در برابر نفس اماره است؛ بر خلاف آنچه در دین وجود دارد.

۲- سید حسین نصر

ماجرای سنت و سنت گرایی در ایران جریان بسیار جالبی دارد و درباره آن اندیشه ها و نظریه های بسیاری مطرح شده است. امروزه جریان سنت گرایی در جهان بالغ بر پنجاه متفکر و نظریه پرداز زنده و مرده دارد. در میان نظریه پردازان تنها نام ایرانی سید حسین نصر است. سید حسین نصر از اغلب سنت گرایان و نخستین نظریه پردازان سنتی کسب فیض کرده و آرای آنان را به خوبی فهم کرده است. حسین نصر تربیت یافته فضایی سنتی است. او در آغاز جوانی رهسپار موسسه تکنولوژی ماساچوست آمریکا شد، اما فضای سنگین و تفکر پوزیتیویستی حاکم بر موسسه او را گرفتار تردید کرد. سخنرانی بر تراند راسل که گفته بود فیزیک به خودی خود با ماهیت واقعیات سروکار ندارد، بلکه به ساختارها و بنیادهای ریاضی مربوط بدان می پردازد، تردید نصر را در تزلزل بنیان های معرفت فیزیکی به یقین مبدل ساخت و او را در درک معنای طبیعت، معرفت و ابزارهای فهم حقایق، به معارف سنتی سوق داد (دین پرست، ۱۳۸۵). نصر در مقام یک استاد دانشگاه و عضو فعال جامعه فلسفی، سیاسی و مذهبی ایران از دهه ۱۳۳۰ به بعد، اثری ماندگار بر گفتمان فلسفی در ایران نوین باقی گذاشت که دامنه نفوذ فلسفی نصر فقط محدود به ایران نبود بلکه او به عنوان برجسته ترین نماینده اندیشه سنتی اسلامی در حلقه های دانشگاهی جهان شناخته شده می باشد. نصر سفر فکری خود را با پیروی از سرمشق اندیشمندی چون سهروردی و ملاصدرا پی گرفت (بروجردی، ۱۳۸۴، ۱۸۶-۱۸۵).

۱-۲- غرب:

نصر مانند بیشتر منتقدان تجدد، بر این باور است که وضع اولیه و ارزش مندی که ویژگی آن، همانا هماهنگی با خداوند و طبیعت بود، به علت هجوم تجدد از میان رفته. او ادعا می کند که عصر نو که ویژگی آن طغیان انسان علیه خداوند، جدایی عقل از نور راهنمای خرد و کمبود فضیلت است به منجلا ب آشفستگی، انحطاط و نادرستی انجامیده است (بروجردی، ۱۳۸۴، ۱۸۷).

نصر رویکر فکری خود به غرب و سوسه گر و تهدید کننده راه، در قالب برنامه چهار بخشی بیان می کند:

- ۱- احیای سنت های اصیل فکر ایران از راه جان بخشی دوباره به فلسفه عرفان اسلامی
- ۲- هشدار دادن به ایرانیان در مورد سرشت علم، فلسفه و فن آوری غربی و خطراتی که برای فرهنگ ایران به بار می آورد، بدین وسیله توانا ساختن ایرانیان به اینکه به غرب از دیدگاهی انتقادی، و نه از روی عقده حقارت بنگرند.
- ۳- آگاه ساختن ایرانیان از فرهنگ ها و تمدن های آسیا به عنوان وزنه ای متعادل سازنده در برابر نفوذ تمدن غرب
- ۴- کوشش در ایجاد راهی که از طریق آن حفظ اصالت فرهنگی ایران در برابر فرهنگ، فن آوری و علوم غربی امکان پذیر گردد (نصر، ۱۳۶۱، ۴۸-۴۷).

نصر از جمله نمایندگان بسیار توانای نسلی از روشن فکران مذهبی بود که می‌خواست اسلام را زنده کنند و اندیشه غربی را به مبارزه بخوانند. نصر به زبان فلسفه قلم می‌زند. نصر معتقد بود که غرب گناه بسیار بزرگی مرتکب شده و آن تجدد است. نصر بر آن بود پی آمد ها بی که شالوده‌های تمدن مدرن می‌باشد را باید بی اعتبار دانست (بروجردی، ۱۳۸۴، ۱۹۲-۱۹۱).

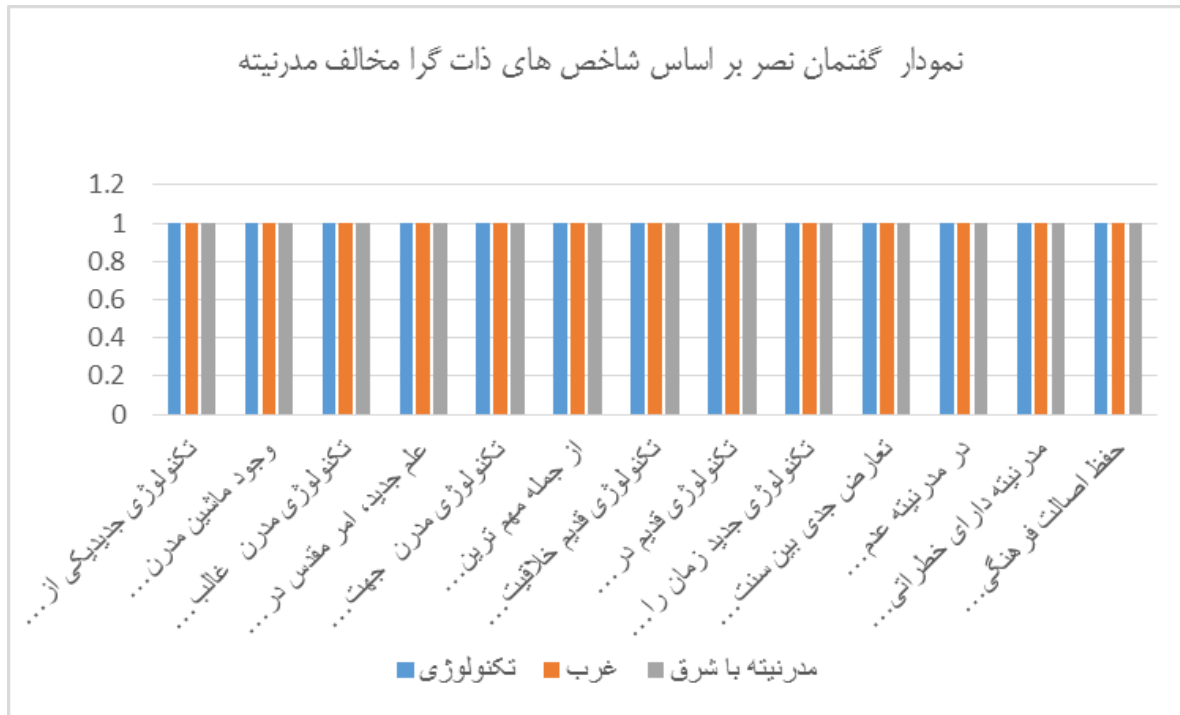
۲-۲- تکنولوژی:

از دیدگاه نصر، تخریب محیط در اثر تکنولوژی مدرن، یکی از جدی‌ترین تهدیدهای رودرروی بشر تلقی می‌شود. تکنولوژی‌های مدرن هم چنین جایگزین شیوه‌های سنتی تولید کالاها می‌شده‌اند که کاربرد روزانه دارند. این جایگزینی برای سلامت معنوی بشریت عواقب مهمی دارد. آنچه در دنیای مدرن شاهدش هستیم، وضعیتی است که در آن، تکنولوژی در معنای امروزی، منشاء بیشتر اشیایی است که زندگی بشر را احاطه کرده؛ در حالی که پیش از انقلاب صنعتی که اشیاء را با دست می‌ساختند، تولیدات هنری و صنایع دستی، زندگی انسان را در بر گرفته بود. در انقلاب صنعتی رخداد بسیار مهمی واقع شد که ماهیت تکنولوژی را کاملاً تغییر داد. آن چه ما باید انجام بدهیم، در درجه اول عبارت است از درک تفاوت موجود بین تکنولوژی‌های سنتی - که امتداد دست‌ها، حواس و سایر بخش‌های بدن ما و مانند بدن در خدمت روح هستند - و ماشین مدرن که بر بشر مسلط شده است. تکنولوژی مدرن همانند ماشین، مهارت دست، چشم و سایر اعضای بدن صنعت گر و استادکار را از بین می‌برد - مغز آن‌ها را تهی می‌کند. تکنولوژی به نفعی که موجب پیدایش فرهنگ تکنولوژیکی خاصی می‌شود که با روح بشر به عنوان یک موجود ابدی در تضاد بوده و با ساختار همه جوامع سنتی مبتنی بر رابطه معنوی بین بشر و مصنوعاتش ناسازگار است. در تمدن‌های سنتی، یک زنجیره مستمر تولید از تولید وجود داشت که همیشه با خدا مرتبط بود. اکنون تکنولوژی مدرن این رابطه را از بین می‌برد. ساختار شهرهای سنتی ما یکی از بزرگ‌ترین آثار هنری در تاریخ بشر بود. هدف از این طراحی‌های شهری ایجاد فضای بشری بود که در آن، دین، تجارت، تحصیل و زندگی، همگی با هم تلفیق شده و به صورت یک کل ادغام شده بودند که در آن، وحدت بر کثرت حاکم بود و آنچه امروزه آن را تفریح، سرگرمی یا خوش گذرانی می‌نامیم و بخش بزرگی از جامعه مدرن است نیز با زندگی آمیخته بود. در نتیجه وجود ماشین مدرن بسیار غیرمفرح و تهی از حس قداست شده است. کار برای مردم آن قدر ملال آور است که تفریحات به پدیده مستقل مهمی تبدیل شده تا زندگی را قابل تحمل کند. تکنولوژی مدرن علاوه بر فقدان عوامل ظریف معنوی واقعاً ما را به سوی مرگ سوق می‌دهد. ما شاهد تخریب محیط زیست طبیعی در مقیاس وسیع هستیم. باید سیمای مقدس طبیعت را که کاملاً با نحوه نگرش تکنولوژی مدرن به طبیعت ناسازگار است، احیا کنیم. هر چه تکنولوژی بیشتری داشته باشیم، تأثیر منفی بیشتری بر محیط زیست و نیز اذهان خواهیم گذاشت. تکنولوژی مدرن از لحاظ فرهنگی جهت دار است؛ و نمی‌توان آن را از جهان بینی‌ای که بر شناخت انسان از خودش، از جهان اطرافش و از خدا و دنیای معنویات تأثیر می‌گذارد، جدا کرد (نصر، ۱۳۸۵).

۲-۳- ارتباط مدرنیته با شرق:

سید حسین نصر مخالف سر سخت مدرنیته است به اعتقاد او نقد مدرنیته امر الهی است. زیرا فراموشی واقعیت الهی، غیر قدسی شدن معرفت بشری، اومانیزم و فقدان معنویت از جمله دلایل آن می‌باشد. او خیر مدرنیسم را عرضی و شر آن را ذاتی می‌داند (محمدی، ۱۳۸۹). نصر دوران کنونی را دوران جاهلیت نوین می‌نامد از جمله نگرانی‌های او تکرار اشتباه غرب و عدم عبرت گرفتن بسیاری از کشورهای شرقی و اسلامی است که آن را فاجعه قلمداد می‌کنند (نصر، ۱۳۸۳، ۲۸۵ و ۴۳). نصر با تغییر و تحول در شیوه زندگی فردی و اجتماعی مخالفتی ندارد اما تأکید او بر اساس تغییرات سنتی می‌باشد و باید زمانه را با سنت‌های خود سازگار کرد. او معتقد است اسلام و غرب با یکدیگر سازگار نیستند (محمدی، ۱۳۸۹).

نمودار ۲-گفتمان نصر بر اساس شاخص‌های ذات‌گرا مخالف مدرنیته (منبع: نگارندگان)



نمودار ۲ حاصل تحلیل گفتمان نصر و کدگذاری بر اساس سه شاخص تکنولوژی، غرب و ارتباط مدرنیته با شرق می‌باشد. هر سه شاخص را می‌توان با یک نسبت در گفتمان او دریافت نمود. اگرچه او نیز همانند فرید از ذات‌گرایان مخالف مدرنیته می‌باشد ولی در گفتمان ضد تکنولوژی بسیار سرسخت‌تر، مخالفت خود را با آن مطرح می‌کند و تکنولوژی را عامل مهم تضعیف روابط اجتماعی معرفی می‌نماید و برای گذر از بحران و حفظ اصالت فرهنگ ایرانی در پی راهی می‌باشد. بنابراین در گفتمان ضد تکنولوژیک محض نصر دو شاخص غرب و ارتباط مدرنیته با غرب پررنگ‌تر نمایان می‌شود زیرا تکنولوژی جدید دستاور دنیای غرب و حاصل دوران مدرنیته می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به شاخص‌های گونه‌مورد مطالعه می‌توان اندیشه روشنفکران مذکور را در قالب غرب، تکنولوژی و عدم ارتباط مدرنیته با شرق مطرح نمود. ناخرسندی از عقلانیت مدرن و حفظ میراث دینی و معنوی در جهان معاصر از جمله دلایل شکل‌گیری گونه روشنفکران ذات‌گرایانه مخالف مدرنیته می‌باشد. آنچه احمد فرید و حسین نصر در اندیشه روشن‌فکران دهه ۴۰ و ۵۰ و دیعه گذاشتند، رویکردی برای مقاومت در برابر مدرنیته بود. گزاره‌هایی نظیر کلیت تمدن غرب شیطان‌ی است و نادیدن بعد قدسی جهان و تقلیل علم و معرفت به بعد مادی، صنعت نمودی از قهر الاهی است و خطرات تکنولوژی غرب برای فرهنگ و غرب و شرق را به منزله دو گونه فهم جهان و نقد جامع و کامل تجدد و عدم برخورد گزینشی را می‌توان در اندیشه فرید و نصر مشاهده کرد. اگرچه نصر نیز همانند فرید از ذات‌گرایان مخالف مدرنیته می‌باشد ولی در گفتمان ضد تکنولوژی بسیار سرسخت‌تر، مخالفت خود را با آن مطرح می‌کند و تکنولوژی را عامل مهم تضعیف روابط اجتماعی معرفی می‌نماید.

جدول ۱- شاخص های روشنفکران ذات گرایانه مخالف مدرنیته فردید و نصر

| شاخص ها | فردید | سید حسین نصر |
|-----------------------|-----------------------------------|--|
| غرب | کلیت تمدن غرب شیطانی است. | نادیدن بعد قدسی جهان و تقلیل علم و معرفت به بعد مادی |
| تکنولوژی | صنعت نمودی از قهر الاهی است | خطرات تکنولوژی غرب برای فرهنگ ایران |
| ارتباط مدرنیته با شرق | غرب و شرق را به منزله دو گونه فهم | نقد جامع و کامل تجدد |

منابع

- بروجردی، مهرداد، (۱۳۸۴). روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، فرزانه روز.
- بهرامی کمیل، نظام، (۱۳۹۳). گونه شناسی روشنفکران ایرانی، تهران، کویر.
- حسینی فر، عبدالرحمن، افروغ عماد، (۱۳۸۹). بررسی نقدهای سید احمد فردید بر لیبرالیسم و غرب، شماره یکم و دوم (پیاپی ۴۵-۴۶).
- عبدالکریمی، بیژن، (۱۳۹۴). هایدگر در ایران نگاهی به زندگی و آثار و اندیشه‌های سید احمد فردید، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با همکاری موسسه انتشارات امیر کبیر.
- عبدالکریمی، بیژن، (۱۳۹۸). اهمیت بررسی آثار فردید جوان، دو فصلنامه فلسفی شناخت، شماره شصت و دوم، یکم، ۱۲۳-۱۰۷.
- عبدالکریمی، بیژن، (۱۳۹۸). بیژن عبدالکریمی در گفت‌وگو با همدلی: فردید تفکر تاریخی را وارد جامعه کرد، <https://www.pishkhan.com/news/148321>
- عبدالکریمی، بیژن، (۱۳۸۹). جلال آل احمد، غرب زدگی و ضرورت بازگشت به سنت، غرب شناسی بنیادی، شماره دوم، ۱۴۶-۱۱۹.
- فردید، احمد، (۱۳۸۱). دیدار فرهی و فتوحات آخر الزمانی، به کوشش محمد مدد پور، تهران، موسسه فرهنگی-پژوهشی چاپ و نشر نظر.
- دین پرست، منوچهر، (۱۳۸۵). سنت گرایی به روایت خودمان / داستان سنت و سنت گرایی در ایران، خردنامه همشهری، شماره پنجم.
- رجیبی، مزدک، (۱۳۹۸). فردید: نسبت غرب چونان متافیزیک و ساحت دل آگاهی، غرب شناسی بنیادی، شماره دوم، ۱۰۰-۸۹.
- معارف، سید عباس، (۱۳۸۰). نگاهی دوباره به مبادی حکمت انسی، تهران، نشر رایزن.
- موسوی، مریم السادات، خاکنند، شکرالله و حسن الهیاری، (۱۴۰۰). تحلیلی بر جایگاه دین در تعامل با مدرنیته در اندیشه ی روشنفکران دینی پهلوی دوم، فصلنامه تاریخ، شماره شصت و یکم، ۲۵۳-۲۳۹.
- محمدی، عبد الله، (۱۳۸۹). مبانی نقد مدرنیته در اندیشه سید حسین نصر، معرفت، شماره نوزدهم، ۱۳۰-۱۲۳.
- مریجی، شمس الله، محدث، علیرضا، (۱۳۹۷). در آمدی بر انتقادپذیری تکنولوژی از منظر مارکوزه و فینبرگ، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره چهارم، ۵۴-۳۹.
- نصر، سید حسین، (۱۳۸۵). اسلام، مسلمانان و تکنولوژی مدرن، ماهنامه سیاحت غرب، شماره سی و ششم، ۲۳-۵.
- نصر، سید حسین، (۱۳۸۳). اسلام و تنگناهای انسان متجدد، تهران، سپهروردی.
- نصر، سید حسین، (۱۳۶۱). خاطرات سید حسین نصر، مجموعه تاریخ شفاهی ایران.
- صلاح، مهدی، حسن وند، شهرام، (۱۳۸۷). بررسی مفهوم توسعه در اندیشه تنی چند از روشنفکران عصر قاجار و پهلوی، تاریخ ایران و اسلام، شماره سوم، ۱۱۷-۱۴۷.

Analysis of the thought of essentialist intellectuals against Pahlavi II modernity (case study of Seyed Ahmed Fardid and Seyed Hossein Nasr)

‘Faeze Amiri Poua¹, Khosro Afzalian², Iraj Etisam³, Mohsen Tabasi

Abstract

The contemporary history of Iran, especially Pahlavi II, is full of political and social developments resulting from the intellectual currents and activity of intellectuals. Enlightenment is a product of the modern world. Therefore, it is possible to put forward the standard of typology of intellectuals based on modernity. The most important service of an intellectual to society is through his intellectual products. Therefore, knowing the thought of an intellectual is one of the necessities. Essentialist enlightened thinkers against modernity, who philosophically negate the entirety of modernity and envision another future, and point out any attempt to patch modernity with Eastern religions or culture as futile, put forward a type of discussion. Examining and analyzing the discourse of essentialist intellectuals against modernity is the subject of this research. And in this regard, the essentialist concepts against the modernity of Pahlavi II are examined by examining the thoughts of Fardid and Nasr. In the upcoming research, according to the interaction of the essentialist type against modernity with the thought of the mentioned intellectuals, the research method is logical reasoning. The indicators of the species mentioned in the thought of Ahmed Fardid and Nasr are the West, technology and the interaction of modernity with the West.

Key words: intellectuals, modernity, Fardid, Nasr, Pahlavi II

¹ - PhD student of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

² - Assistant Professor, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran (corresponding author)

³ - Full Professor, Department of Architecture, Science and Research Unit, Azad Islamic University, Tehran.

⁴ - Associate Professor, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.